

کتاب و غیره...
 ...
 ...

توحید از نظر قرآن

حسین نوری

شکفتنهای آسمان

ماه

علمی که دربارهٔ وجودات جهان آفرینش بحث مینماید، مانند علم هیئت و تشریح و فیزیولوژی (وظائف الاعضاء) و گیاه شناسی، از دو نظر ممکن است مورد توجه قرار گیرد: از نظر مادی، و از نظر معنوی. مثلا ممکن است شخصی علم هیئت را باین هدف بخواند که بی بردن بسازمان با عظمت جهان؛ و حرکات ستارگان و مدارات آنها و فواصلشان از یکدیگر و سایر خصوصیات آنها، از مظاهر زندگی بشر، تأثیر داشته و آدمی را بوقایع آسمانی از قبیل گرمی و سردی هوا و خشوف و کسوف مطلع میسازد، و از این نظر هیئت مقدمه علم نجوم است. ولی ممکن است شخصی نتیجهٔ دیگری از این علم در نظر داشته باشد یعنی: از وسعت فضای آسمان، و حرکات منظم ستارگان، و درخشندگی آفتابهای فرزوان، و عظمت کهکشان؛ بصانعی که آفریننده و گردانندهٔ این دستگاه شگرف است بی برد، صانعی که ایوان بلند بپهرا بانو دستارگان داشته آنها آراسته، و سطح زمین را بچراغ مهر و ماه روشن ساخته است. این هدف عالی نظری است معنوی.

از مآل ذیبر تفادت دو هدف مزبور روشن میگردد:

دو نفر وارد باغستانی میشوند هدف یکی از آنها فقط اینست که از میوه‌های آن باغ استفاده کند ولی دیگری از طرز مهندسی و خیابان‌کشی باغستان و صف بندی درختان، و تنوع میوه‌های آن، میخواهد بقدرت و مهارت باغبان آشنا شود. البته هر دو هدف را با هم ممکن است مورد نظر قرارداد، و تفاوت نظر افراد بحقیق علمی از همین اصل سرچشمه میگردد.

نظر قرآن کریم

قرآن کریم با منطق نیرومندش، موجودات متنوع جهان هستی را از قبیل: سیارگان آسمان، زمین، کوهها، دریاها، گیاهان، انسان، جانوران، یاد آور میشود تا جامعه بشر را در پرتو علم بنظام این موجودات پدید آورنده و نگهدارنده آنها متوجه و معتقد کند تا علم را بایشرفتهای روز افزونی که دارد، با ایمان بخداوند متعال که اساس هر سعادت و ریشه هر فضیلت است، هم‌دوش و هم‌قدم سازد؛ و کاین ایمان را بر پایه علم استوار کند.



از موجوداتی که در قرآن مجید؛ یکی از دلایل قدرت و آیات حکمت بروردگار قرار داده شده «ماه» است. ماه گرچه یکی از سیارات بسیار کوچک صحنه پهناور آسمان است؛ ولی حقایق عظیمی در وجود آن نهفته است. گاهی این چراغ نورافکن با اشعه روح بخش خود، سطح زمین را روشنایی مینماید. زمانی این وقت نمای آفاق آسمانی شکلهای بدر و هلال و تزییع بخود گرفته، حساب اوقات ماه را معین میکند گاهی این خدمتگزار صمیمی و قدیمی بشر، که شتابان در پست خود در آمد و رفت است، جز روم دریاها را بوجود آورده از این راه خدمت شایان توجهی انجام میدهد.

مشخصات ماه

قطر ماه ۶۷۸۰ کیلومتر

وزن ۷۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰ تن
 طول مدار ۲۴۰۰۰۰۰ کیلومتر
 سطح یک چهاردهم سطح زمین یعنی: تقریباً ۳۸ میلیون کیلومتر مربع
 حجم یک پنجاهم حجم زمین یعنی تقریباً ۲۱ میلیارد کیلومتر مکعب
 فاصله متوسط از زمین ۳۸۴۰۰۰ کیلومتر
 سرعت سیر بطور متوسط در ثانیه یک کیلومتر

فلک شناسان معتقدند در سطح ماه چنین خوردگیهای بزرگ وجود دارد که یک سلسله جبال را تشکیل میدهد و بوسیله سایه های آنها توانسته اند ارتفاع آنها را بدست بیاورند و عقیده دارند که آب و هوا که مایه زندگی موجودات زنده روی زمین است در کره ماه اصلاً وجود ندارد. نور ماه از خود دارای نور نیست و اشعه آفتاب آن را نور می بخشد و روشن میکند و ماه آن نور را آئینه وار منعکس میسازد، و فلک شناسانی که قدرت شمعی خوردشید و سیارگان دیگر را سنجیده اند میگویند: «نور خوردشید هشتصد هزار برابر نور ماه است در حال بدر» اما همین نور برای روشنایی شبها تأثیر شایانی دارد. خوردشید که سرچشمه نور و حرارت است اگر همیشه بر قسمتی از زمین میتابید قطعاً اثر حرارت آن حیات موجودات زنده آن قسمت را خاتمه میداد. لذا لطف خداوند ایجاب میشود که برای شبها چراغ دیگری قرار دهد. خورد ماه و بر زمین برای تو اند. قنادیل سقف سرای تو اند. برای همین نظر قرآن مجید در سه مورد «ماه» را از لحاظ نور یاد آورده شده است.

(سوره یونس آیه ۵ - سوره فرقان آیه ۶۱ - سوره نوح آیه ۱۶)

اهله ماه

چنانکه گفته شد «ماه» از خود نور ندارد ، و از خودشید کسب نور می کند ، و چون جسم کردی است فقط نصف آن بوسیله خودشید روشن میشود ، و واضح است که همیشه تمام قسمت روشن ماه رو بروی زمین واقع نمی شود زیرا حرکت ماه ؛ با حرکت زمین یکسان نیست ، بنابراین بر حسب اوضاع مختلفی که برای ماه و زمین نسبت به خودشید رخ میدهد ، ساکنان زمین «ماه» را بشکلهای مختلف که آنها را «اهله ماه» مینامند مشاهده می کنند ،

در آغاز ماه «ماه» را بشکل کمان نازکی می بینند و در این وضع «ماه» هلال یا ماه نو نامیده میشود از این حال بعد قسمت روشن رو با افزایش میگذارد تا پس از هفت روز بشکل نیمه دایره نورانی نمایان میگردد در این وضع ماه را «تربیع اول» مینامند پس از آن قسمت روشن ماه ، چنان رو با افزایش میرود ، تا اینکه سکنه زمین «ماه» را بشکل دایره تمام روشنی می بینند و این وضع «ماه» را «بدر» مینامند و تقریباً چهاردهمین شب از تاریخ هلال است . از این بعد قسمت روشن ماه بتدریج رو بتقصان میگذارد ، تا مجدداً بشکل نیمه دایره ای نمودار میگردد و «ماه» را در «تربیع دوم» گویند در این حال بیست روز از آغاز ماه گذشته است تا کم کم رو بتخلیل میرود و به مرحله محاق میرسد که اصلاً دیده نمیشود پس از آن هلال مجددی بوقوع می پیوندد .

این بود شرح جلوه های متنوع و مناظر گوناگون که قرص «ماه» در ظرف یک ماه بخود میگیرد ، این جلوه های جالب بسیار منظم و دقیق است ؛ درست مانند ساعتی است که اوقات ماه را مشخص میکند ، ساعتی است که هزارها سال است بوظیفه خود ادامه داده ؛ خستگی و فرسودگی در آن راه نیافته ، محتاج بکوک کردن فنر و باز کردن چرخها و چرک گیری و شستشوی ابزار نیست .

حرف و خطوط این ساعت بقدی روشن است که اهل لرغت آنرا میخوانند

در سر هر ماه با قیافه باز و کوشش خستگی ناپذیر مجدداً کمر خدمت بسته و جلوه میکند.

نظم و اندازه گیری زمان، در زندگی اجتماعی بشر شایان اهمیت است و موضوع اهله ماه این حقیقت را مشخص میسازد لذا قرآن مجید در مورد از این نظام، نام برده است (سوره بونس آیه - ۵ - سوره یس آیه - ۳۹ -)

جزر و مد کسانیکه در کنار خلیج فارس و شط العرب ساکن هستند اطلاعاتی از جریان ارتباط دریاها و شطها با طلوع و غروب ماه دارند.

جزر و مد، هر کات منظم آب دریا است که تحت تاثیر نیروی جاذبه خورشید و ماه روزی دو مرتبه انجام میگردد. آب دریا تقریباً، در مدت شش ساعت بالا آمده و در مدت شش ساعت بعد فرومی نشیند، بالا آمدن آب دریا را آمد، و فرود رفتن آنرا جزر گویند شدت جزر و مد فرق میکند، جزر و مدهای معمولی اختلاف سطحشان کم است. و جزر و مدهای

موقع اول ماه و چهاردهم ماه قدری قوی تر هستند، و نیز جزر و مدهای اوائل بهار و پاییز شدید تر است. مقدار بالا آمدن آب، هنگام آمد، در نقاط مختلفه متفاوت است، و

از چند سانتیمتر تا پانزده متر میرسد. و از این راه برای مشروب ساختن مزارعی که در ساحل دریاها واقع است؛ استفاده میشود، و اخیراً در بعضی از سواحل، در مالک متریه

کارخانه هائی ساخته اند؛ که در موقع مد جریان فشار آب، موتورها را بکار انداخته کارخانه ها بجزریان میافتند، شکی نیست که پیشرفتهای علم نتیجه های صنعتی بیشتری از

این راه. برای جامعه بشریت خواهد داد.

کیست که میدهد بمآه این همه حسن و دلبری !!!
خواننده محترم! تفکر و تعمق در باره ماه مخصوصاً شکلهای شگفت انگیز و مناظر

منظم آن ؛ که در هر ماه تکرار میشود . ما را متوجه میکند که دست قدرتی آنرا بوجود آورده ، و این جلوه و جمال را بآن بخشیده است ، بطوریکه اگر از همه عجایب و اسرار کلخ حیرت انگیز آسمان صرف نظر کرده ، فقط در نظام عجیب « ماه » که کوچکترین سیارگان و نزدیکترین آنها است ، نسبت بما ، دقت کنیم کاملاً روشن میشود که صانعی که منبع شعور و قدرت است آنرا میگرداند ، و بزم شبها را بفروغ آن روشنایی مبخشد .

بلی در طبع هر دانه ای هست که با گردنده گرداننده ای هست

زهر شمعی که جوئی روشنایی بوحدانیتش یابسی گواهی

خرد بخشید تا او را شناسیم بضارت داد تا هم زدو هراسیم

زهی قدرت که در حیرت فرزدن چنین ترتیبها داند نمودن

یک نکته جالب

بعضی از دانشمندان فن هیئت میگویند غرض اصلی از وجود « قمر » روشن ساختن شبهای تاریک است ، و لذا سیاراتی که با آفتاب نزدیک هستند ، مانند عطارد و زهره از قمر بی نیازند و بآنها قمر اعطان نشده است ، زیرا نزدیکی آفتاب ، شب آنها را مانند حالت زمین مادر هنگام بین الطلوعین (مابین طلوع صبح صادق و طلوع خورشید) روشن میسازد و نیازی بنور ماه ندارند ، و زمین ما چون نسبت بخورشید از آنها دورتر است ، یک قمر برای آن آفریده شده ، و کره مریخ چون نسبت بخورشید ، از زمین دورتر است دارای دو قمر است که بر سطح آن بتناوب و تعاقب دور میزنند ؛ سپس کره مشتری که از خورشید بسیار دور و حجمش بزرگ است یعنی تقریباً ۱۴۰۰ برابر زمین ما است ده قمر برای او مقرر گردیده است . بعد از آنکه از خورشید بسیار دور و حجمش ۷۰۰ برابر زمین ، چون احتیاج شدید در شبها بر روشنایی دارد خداوند داناده قمر بزرگ با سه حلقه نورانی بآن عطا فرموده است .

این نظام دقیق هر صاحب‌دلی را متوجه می‌سازد که «جهان را صانعی باشد خدا نام» که به مقتضای حکمتش ، نقش جهان هستی را ، این چنین بدیع و کامل ابداع کرده است نمونه‌ای از توجه پیشوایان اسلام

پیشوای مکتب توحید ، امام چهارم علیه السلام ، شب اول ماه ، بقیافه اسرار آمیز ماه نگاه میکرد و آنرا بکلماتی مخاطب می‌ساخت . که آن کلمات از دلی سرچشمه میگرفت که از محبت خداوند متعال موج میزد کلمات نامبرده دعای ۴۳ - صحیفه سجادیه را که یکی از ذخائر و مفاخر معنوی ، جهان اسلام است ، تشکیل میدهد . اینک ترجمه قسمتی از آغاز آن از نظر خوانندگان محترم میگذرد ، ای آفریده فرمانبردار و ای پویانده گرم رفتار و ای آمد و رفت کننده در منازل تقدیر ؛ و ای گذرنده از گذرگاه تدبیر ؛ ایمان آوردم بآن کسیکه تیرگیها را بفرغ تو روشن ساخت و عیبهات را در پرتو آشکار ساخت و ترانسانه‌ای از نشانه‌های پادشاهی ، و علامتی از علامات قدرت و سلطنت خویش قرار داد ، و در چنبر قدرتش ترا بنقص و کمال و طلوع و غروب و درخشندگی و خسوف مسخر ساخت ، و در همه این اوضاع تو برای او کمر اطاعت بسته‌ای و جز مشیت علی‌ای او مشیت و ارادت نداری «سبحانه ما لعجب ما بدر فی امرک ؛ و الطف ما صنع فی شأنک ؛ جعلک مفتاح شهر حادن» ؛ بزرگ است پروردگار متعال ، چه شگفت آور است تدبیر و نظامی که در باره تو بکار برده ؛ و چه دقیق است آنچه در باره تو انجام داده ؛ ترا کلیدی برای ماه نو قرار داده است ؛

امام علیه السلام از دیدن «ماه» نو و بنظر آوردن مناظر مختلف آن حقایقی را بنظر آورده و از قیافه تابناک آن خطوطی را خوانده است ؛ که هنوز بشر بهمه آنها پی نبرده است . لذا با کمال تعجب گفت : «سبحانه ما لعجب ما بدر فی امرک و الطف ما صنع فی شأنک» !!!

با صد هزار جلوه برون آمدی که من با صد هزار دیده تماشا کنم ترا

مسلماً اسرار و حقایقی از ستارگان آسمان ، برای پیشوایان دینی معلوم بوده است

که هنوز همه آنها ، در عددی دور بین های منجمان و در دسترس محاسبات اختر شناسان قرار نگرفته است .

ناف شهباز مشك فروشان اوست ماه نواز حلقه بگوشان اوست

لغت معجمی



رتال جامع علوم انسانی

تالون انسانی در علوم انسانی ...